

تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس

حسن تالاشان^۱

استادیار گروه علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)

الماس نصر دهبزیری

دانشجوی دکتری علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)

(تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۱۹ - تاریخ تصویب: ۹۳/۱/۱۹)

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، نهضتی بیدارگرانه است که بی‌شک در بیدارگری بسیاری از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های دینی، اصلی‌ترین و اصیل‌ترین نقش را در دهه‌های اخیر ایفا کرده است. تنها انقلاب حقیقی دینی که بر اساس اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلام ناب محمدی پیدایی گرفت. از این رو، انقلاب اسلامی ایران را نمی‌توان با انقلاب‌های مدرن سنجید، زیرا از لحاظ مبادی و غایات نظری و نیز ماهیت عملی خود بی‌بدیل است. این نوشتار به تأثیر انقلاب اسلامی ایران در تونس پرداخته است. نگارندگان درصددند پاسخی درخور این پرسش فراروی مخاطبان نهند که انقلاب اسلامی ایران چه تأثیری در بیداری اسلامی تونس گذاشته است؟ (سؤال). تأثیر انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان، از مهم‌ترین موضوعاتی است که امروزه، بیش از پیش، در کانون توجه قرار دارد و با گذر از مرزهای مدرنیته، به الگویی مانا و پویا، با صبغه و وجهه دینی-معنوی، تبدیل شده و به جان و نهاد انسان گم‌شده دوران پیوند خورده است (فرضیه). نگارندگان این مقاله تأثیرات شگرف و شگفت‌انگیز انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس و تحقق یافتن نوید حضرت امام خمینی، مبنی بر صدور انقلاب، را به تصویر کشیده‌اند (هدف). با توجه به گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، تأثیر آن در برخی کشورها از قوه به فعل درآمده است. تجزیه و تحلیل صورت گرفته بر مبنای نظریه پخش نشان می‌دهد که افزایش ظرفیت و گسترش موج بیداری اسلامی تونس، ریشه در تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران دارد (روش). اسلام‌خواهی و مطرح شدن اسلام در قالب عامل بازدارنده در برابر منافع استعماری قدرت‌های بزرگ، استکبارستیزی و اوج‌گیری اندیشه ضد صهیونیستی در سطح منطقه و نیز شکل‌گیری، تقویت و الگوپردازی گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی ایران را می‌توان از حوزه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران برشمرد (یافته).

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی، تونس، سلفیت و نظریه پخش

مقدمه

قیام‌های مردمی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با هویت اسلامی و احیای اسلامگرایی ناشی از خواسته‌های متراکم مردم تحت ستم این کشورها طی چند دهه پیشین است که نقطه عطفی در تاریخ معاصر کشورهای اسلامی و جهان قلمداد می‌شود. این پدیده تاریخی بسیار غنی دارد که حداقل صد و پنجاه سال قدمت از مبارزات سید جمال‌الدین اسدآبادی تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن، موج گسترده بیداری اسلامی سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را در بر دارد.

در آغاز این موج بیداری، شاهد تغییر و تحولات شتابان و برق‌آسایی هستیم که سلسله‌وار کشورهای اسلامی را یکی پس از دیگری فرا گرفته و درعین حال سبب نگرانی و وحشت نظام سلطه شده است؛ به طوری که مطبوعات غرب بر این باورند که «خیزش اسلامی جهان عرب که موجب سرنگونی رژیم‌های فاسد، سرکوبگر و سازشگر با صهیونیست‌ها و سرسپرده به امریکا می‌شود و مقدمه انقلاب بزرگ‌تری برای پایان دادن به ظلم و استکبار صهیونیستی و آزادسازی اماکن مقدس اسلامی در فلسطین خواهد بود» (القدس العربی، ۲۰۱۱/۵/۱۵). نظر به اهمیت تحولات اخیر، از آنجایی که مردم مسلمان تونس آغازگر و مشوق دیگر کشورهای اسلامی در بیداری اسلامی محسوب می‌شود، مقاله حاضر برای دستیابی به پاسخ پرسش اصلی که انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس چه تأثیری داشته است؟ و پاسخگویی به سؤال‌های فرعی و سنجش این فرضیه که انقلاب اسلامی ایران سبب افزایش ظرفیت و گسترش موج بیداری اسلامی در تونس شده است، نخست به تبیین کلیاتی درباره مفاهیم اصلی و ارائه چارچوب نظری روش پخش و معرفی سازه‌های اصلی آن می‌پردازد. در گام بعدی، عناصر بنیادین این تأثیر بر اساس نظریه پخش به تفکیک تجزیه و تحلیل می‌شود و در انتها با سنجش فرضیه پایان می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی

بیداری اسلامی

بیداری اسلامی، اصطلاحی با ریشه‌ای دیرین و در ارتباط مفهومی با مقوله‌های اصلاح دینی، احیاء دینی، اسلامگرایی و مانند آن است. در زبان عربی معاصر نیز با تعبیرهای گوناگونی همچون الصحوه الاسلامیه، البعث الاسلامی، التيار الاسلامی، الحرکه الاسلامیه و سرانجام اليقظه الاسلامیه یا در پیوند با برخی از این مفاهیم از آن یاد شده است (عمر، ۱۳۸۵: ۶۷). این اصطلاح در معنای عام خود، برای اشاره به ترک انفعال و رجعت به آموزه‌های اصیل شریعت اسلام به کار می‌رود که روحیه شجاعت، عزت‌مندی، مقاومت و ظلم‌ستیزی را به شکل متوالی در هر یک از

دوره‌های تاریخ معاصر و کشورهای اسلامی، بر کالبد جامعه مستضعفان برای قیام علیه قدرت‌های استبدادی (داخلی) یا روابط استعماری (خارجی) حاکم بر جامعه یا جوامع اسلامی است.

این بیداری عملی سیاسی و اقدام برای تغییر شرایط موجود برای نیل به وضعیت مطلوب و بر مبنای اسلامخواهی مبنی بر اهمیت و اولویت عنصر تکلیف دینی بر منافع زودگذر پیرامونی شکل گرفته و هدف از آن، استقرار نوعی نظام سیاسی برآمده از مبانی و مبادی معرفتی-هویت‌اصیل دینی است.

«البته، فهم درست بیداری اسلامی نیازمند آگاهی مناسبی از آموزه‌های اسلامی و درکی درونی از جامعه مسلمانان و بسیاری عوامل دیگر است و به نظر می‌رسد نظریه‌های موجود جامعه‌شناسی در حوزه جنبش‌های اجتماعی، ظرفیت نظری و کارآمدی لازم در تبیین و تفسیر بیداری اسلامی را ندارند» (الویری، ۱۳۹۰: ۱۱). متفکر معاصر، استاد مطهری، به این نکته اشاره کرده است که «اگر بخواهیم درباره اسلام و مقتضیات زمان قضاوت کنیم، تنها راه این است که با معارف اسلامی آشنا شویم و روح قوانین اسلامی را درک کنیم و سیستم خاص قانونگذاری اسلامی را بشناسیم تا روشن شود که آیا اسلام رنگ یک قرن معین و عصر مشخص دارد یا و رای قرون و اعصار وظیفه رهبری و هدایت و سوق دادن بشر را به سوی تکامل بر عهده گرفته است» (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۰).

در این میان، برخی جامعه‌شناسان که بیداری اسلامی و حرکت‌های اصلاح دینی را بررسی کرده‌اند، به این موضوع اشاره کرده‌اند که «اینکه آیا احیای اسلامی حتی در بنیادگرایانه‌ترین اشکال آن تنها می‌باید به عنوان تجدید عقاید و اندیشه‌های سنتی در نظر گرفته شود، تردیدپذیر است. آنچه رخ داده، چیزی پیچیده‌تر است. آداب و شیوه‌های زندگی سنتی احیا شده‌اند، اما با علایقی همراه‌اند که خاص دوران مدرن است» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۸۰). حضرت امام خمینی در عین حال بیداری اسلامی را طلیعه پیدایی جبهه قدرتمند اسلام در برابر جبهه متحد شرق و غرب می‌دانستند: «ما باید خودمان را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی-انسانی، با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۱۹).

در نوشتار حاضر منظور از بیداری اسلامی، اشاره به نمونه‌های اخیر جنبش‌های سیاسی-اجتماعی کشورهای عربی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است که آغاز نخستین آن در قیام ملت تونس علیه حکومت مستبد و غربگرای «بن‌علی» بوده و دیگر کشورها را فراگرفته است. خیزش‌هایی که هرچند از مبادی فراوانی برای شروع اعتراضات خود بهره برده‌اند، متأثر

از قدرت فکری و معنوی اسلام و مناسبات مذهبی حاکم بر جوامع منطقه، به سرعت به سازماندهی خود در قالب ارزش‌ها و باورهای اسلامی پرداختند.

بارزترین نشان هویت اسلامی جنبش‌های اخیر در تونس را می‌توان در بهره‌گیری مردم از نهادها و ارزش‌های اسلامی به‌منظور سازماندهی اهداف و برنامه‌های اعتراضی خود و نیز انجام واجبات دینی در فضای اجتماعی، احترام به هنجارهای اجتماعی، احترام به هنجارهای مذهبی، مانند حجاب و عفاف اسلامی یافت. حضور طیف‌های گوناگون جامعه در مناسک مذهبی و انقلابی معترضان در منطقه، به‌ویژه پس از پیروزی جنبش تونس و سقوط نظام استبدادی بن‌علی، بیانگر نقش باورهای اسلامی در توسعه مشارکت سیاسی است.

روش: نظریهٔ پخش

نظریهٔ پخش، از جمله نظریه‌های رایج دربارهٔ چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست که در سال ۱۹۵۳ هاگر استرند^۱، جغرافیدان سوئدی، ارائه کرده است. هرچند نقطهٔ آغاز کاربرد این نظریه، در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌هایی نظیر سل و وبا بود، کاربرد آن در دیگر عرصه‌های فرهنگی و رشته‌های جغرافیای انسانی، تسری و در موضوعات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز به‌کار گرفته شده است (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۴).

اشاعه یا پخش، فرایندی است که بر اساس آن یک موضوع فرهنگی شاخص جامعه، در جامعهٔ دیگری پذیرفته می‌شود. گسترش و پذیرش یک اندیشه و نوآوری یا با انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل صورت می‌گیرد که به آن پخش جابه‌جایی گویند؛ یا از طریق فردی مهم و توالی منظم دسته‌ها و طبقات، انتقال و گسترش می‌یابد که پخش سلسله‌مراتبی نام دارد؛ یا اینکه پخش، بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب، همانند بیماری‌های مسری، صورت می‌گیرد که به پخش سرایتی (واگیر) معروف است (خرمشاد، ۱۳۹۰: ۵۰-۵۱). دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی، سرعت انتشار بالایی دارند که در آن‌ها افکار، اندیشه‌ها و مفاهیم از سرزمین میزبان و جدید هجرت می‌کند و چون هجرت فیزیکی نیست، سرعت انتشار بالایی دارد (برزگر، همان: ۳۹). هاگر استرند، شش عامل حوزهٔ جغرافیایی (پذیرا یا ناپذیرا، زمان، موضوع پخش، مبدأ پخش، مقصد پخش و مسیر پخش) را مهم دانسته است. اما عوامل دیگری چون سرعت پخش، موانع پخش و پیش‌بینی آثار پخش را می‌توان در این نظریه برجسته کرد (شکوهی، ۱۳۶۴: ۱۳۳). دوری و نزدیکی مسافتی و مکانی به مبدأ پخش اندیشه، گذشت زمان و موانع طبیعی تراوش، از عوامل کاهش‌دهندهٔ پخش است (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۷).

1. Diffusion.
2. Hager strand.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ با تکیه بر نهادهای اسلام، مردم و رهبری، ضربه سختی بر دو ابرقدرت شرق و غرب وارد ساخت و کشورهای اسلامی را به‌طور خاص و جهان را به‌طور عام، متأثر کرد. همسو با چارچوب تحلیلی این پژوهش باید گفت: «انقلاب اسلامی در ایران نه از ۲۲ بهمن ۵۷ آغاز شده و نه اکنون پایان یافته است، بلکه به نتیجه بیش از یک قرن مبارزه بازمی‌گردد. ایران کانون پخش و تراوش حکومت دینی و اسلام‌خواهی به مقصد کشورهای اسلامی شد» (محمدی، ۱۳۸۷: ۸۶).

انقلاب اسلامی تأثیرپذیری‌های غیرارادی در مسلمانان داشت و در پرتو اسلام سیاسی، افراد، مراسم، مناسبت‌ها، طیف وسیعی از تأثیرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در ملت‌های مسلمان از طریق انواع پخش، پدید آورد، اگرچه انقلاب اسلامی ایران انقلابی شیعی شناخته می‌شود، عقاید مشترک، یعنی اعتقاد به توحید، کتاب آسمانی قرآن، رسالت پیامبر، ایمان، برابری و برادری و مواضع ضد استعماری و استبدادی آن، موجب اثرپذیری این کشورها از انقلاب اسلامی ایران شده است. این نوشتار با مبنا قرار دادن نظریه پخش (سرایتی و سلسله‌مراتبی) به تأثیر انقلاب اسلامی در جهت‌دهی به نگرش سیاسی در بیداری اسلامی تونس می‌پردازد.

انقلاب اسلامی ایران مبدأ پخش بیداری اسلامی

در شرایطی که ناامیدی کامل بر جوامع مسلمان حاکم بود و مسلمانان حداکثر در اندیشه حفظ باقیمانده میراث اسلامی به‌غارت‌رفته خود بودند و رفته‌رفته همه حکومت‌ها و جوامع جهان اسلام، تحت سلطه غرب و شرق در آمدند، انقلاب در ایران با ماهیت اسلامی و با داعیه فرامرزی و بین‌المللی مبدأ پخش بیداری اسلامی قلمداد شد.

واقعیت این است که انقلاب اسلامی، فراتر از احیای دین و پیراستن آن از خرافات و زنگارها، درصدد نشان دادن توانایی اسلام در پاسخگویی و حل و فصل مسائل و مشکلات مسلمانان در دو محور اصلی انحطاط داخلی به دلیل استبداد حکومتی و استعمارگری شرق و غرب در ابعاد گوناگون بود.

انقلاب اسلامی افزون بر شعار بازگشت به اسلام اصیل و ناب محمدی، اصول و ارزش‌های فراموش‌شده آن و الگوی صدر اسلام، با مایه‌های عقلی، فلسفی و اجتهادی نوآورانه، خواهان احیای تفکر دینی و دگرگونی بنیادین در روابط و مناسبات حاکم و تغییر انقلابی وضع موجود و در پیش گرفتن راهی مستقل و اسلامی برای نوسازی و توسعه با هدف نیل به وضع مطلوب و جامعه و دولت آرمانی صورت گرفت.

امام خمینی با در نظر گرفتن مقتضیات زمان، با صدور انقلاب اسلامی به جهان و دیگر سرزمین‌های اسلامی با حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی و مستضعفان و سرانجام تشکیل امت بزرگ اسلامی با جمهوری‌های متعدد، ولی متحد، را مد نظر داشتند. با تشکیل جمهوری اسلامی، گام‌های عملی مهمی در چارچوب این الگو برداشته شد (موتقی، ۱۳۷۶: ۴۸۷).

صدور انقلاب اسلامی، از یک سو، به بنیان‌های نظری، از قبیل ایدئولوژی جهانشمول، استبداد و استعمارستیزی و از سوی دیگر، به پایه‌های عملی و قابلیت‌هایی از قبیل سازمان‌دهی عملیاتی و شبکه‌سازی انقلابی، امکانات، اراده، قدرت معنوی و توانایی فرهنگی، بیدارسازی، استقامت و پایداری در عزم انقلابی نیاز دارد. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، غلط برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم! [نه!] همه کشورها باید در محل خودشان باشند. ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و [نجات دادند]، دست آن‌ها را از مخازن کوتاه کردند، این در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها [اجرا] بشود. معنی صدور انقلاب این است که همه ملت‌ها و همه دولت‌ها بیدار شوند و خودشان را از این گرفتاری که دارند، نجات بدهند» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۸-۲۳۲).

امروز روند معکوس سکولاریزه شدن جهان، از فرایندهای متأثر از انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز غربی، دربارهٔ مبدأ بیداری اسلامی معتقد است: «در گذشته، سه فحول فکری جامعه‌شناسی، یعنی: مارکس، دورکیم و ماکس وبر، با کم‌وبیش اختلافاتی، فرایند عمومی جهان را به سمت سکولاریزاسیون و به حاشیه‌رفتن دین می‌دیدند، ولی از آغاز دههٔ هشتاد و با انقلاب اسلامی در ایران، شاهد تحقق خلاف این امر هستیم؛ یعنی فرایند عمومی جهان، روند معکوسی را آغاز کرده است و به سمت دینی‌شدن پیش می‌رود» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۵). به واسطهٔ انقلاب اسلامی ایران، اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی، توانست به گفتمان مسلط در منطقهٔ خاورمیانه و شمال آفریقا تبدیل شود و گفتمان سکولار از متن به حاشیه رود.

با گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، تأثیر آن در بیشتر کشورهای اسلامی از قوهٔ به فعل درآمده است. تونس نیز این تأثیر را از رویکرد صدور انقلاب اسلامی پذیرفته است: «به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران فضای در حال گسترش اصولگرایی اسلامی سراسر جهان اسلام را فراگرفت؛ پاره‌ای حرکت‌های اسلامی پیدا شدند و برخی دیگر که از قبل وجود داشتند اما منفعل بودند، فعال و انقلابی شدند. در تونس حرکتی اسلامی با تأثیر مستقیم از انقلاب ایران پدید آمد که مهم‌ترین تجسم آن جنبش گرایش اسلامی بود که بعدها به جنبش نهضت تغییر نام داد» (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۱۷).

تونس؛ مقصد پخش بیداری اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران جرقه‌ای بود که جوشش اسلامی در اکثر کشورهای مسلمان، از جمله تونس را به دنبال داشت. چند سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حرکت عظیم مردمی ضد دولت سکولار حاکم در تونس سازماندهی شد. مردم تونس که به شدت معترض و خشمگین بودند، با شعارهای اسلامی به خیابان آمدند و با یورش به مؤسسات دولتی و بانک‌ها، ترس و وحشت را برای حکومت استبدادی پدید آوردند. اگرچه انگیزه این حرکت گران شدن نان بود و از محلات فقیرنشین آغاز شد و به سرعت همه شهرها را فراگرفت، قشرهای مرفه نیز در این قیام مردمی مشارکت کردند. حرکت مردمی و به دنبال تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی در ایران که برای رژیم حاکم غیرمنتظره بود، با اعلام حکومت نظامی به کشتار و دستگیری مردم منجر شد و در نهایت با عقب‌نشینی حکومت از مواضع خود و برکناری وزیر مربوط در موضوع گرانی نان توانست بر اوضاع آشفته غالب شود.

«تحولات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دهه‌های شصت و هفتاد میلادی و انحطاط ارزش‌های اخلاقی، شکاف طبقاتی و ایجاد بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در تونس، باعث شکل‌گیری و رشد جنبش‌های اسلامی شد» (الغنوشی، ۱۳۷۰: ۲۹) که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- تأسیس جمعیت قانونی پاسدار قرآن کریم به رهبری شیخ الجیب القساوی و ایجاد مجله جوهرالاسلام در سال ۱۹۶۸، و با برگزاری کلاس آموزش درسی در مدرسه زیتونیه که هدف و استراتژی المتساوی، ورود به حزب حاکم و دستگاه حکومت و در نتیجه متحول‌سازی حزب حاکم و تبدیل شدن به یک نیروی مؤثر بود.

تأسیس حزب اتجاه اسلامی در سال ۱۹۷۰ به ایجاد ماهنامه المعرفه به مدیریت شیخ عبدالقادر سلامه و به رهبری راشد الغنوشی و عبدالفتاح مورو منجر شد.

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شمار جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام بسیار اندک بود که یا منفعل بودند یا در ضعف و نابودی به سر می‌بردند (برزگر، ۱۳۹۱: ۲۷۳). با پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش‌ها و تشکل‌های اسلامی جدیدی متأثر از آن، در بسیاری کشورهای اسلامی پدید آمد. جنبش النهضه در تونس از جمله جریان‌های اسلامی است که اگرچه فعالیت آن قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و در قالب جمعیت پاسدار قرآن و حزب اتجاه اسلامی بود، بعد از پیروزی انقلاب، با عنوان جنبش النهضه اسلامی تونس، فعالیت دوچندان پیدا کرد.

مهم‌ترین مبانی جنبش اتجاه اسلامی عبارت بود از:

- رد اصول سکولاریسم؛

- ارتباط و پیوند این جنبش با تمام مسلمانان جهان؛

-نگرش به مسئله فلسطین (الغوشی، ۱۳۷۰: ۴۶).

حرکت حزب اتجاه اسلامی بر اساس اصول دین و ساختار منسجم درون حزبی و اجرای روش سیاسی در صحنه واقعیت جامعه، از جمله درخواست همه‌پرسی درباره «الاحوال الشیخه للمراه» باعث واکنش دستگاه حاکم و دستگیری رهبران آن شد و آنان متهم به برپایی یک نظام اسلامی به تاسی از انقلاب اسلامی در ایران شدند (الغوشی، ۱۳۷۰: ۵۹-۶۲). پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش‌های اسلامی در تونس، رشد بالایی داشتند. به گفته کارشناسان سیاسی، جنبش‌های اسلامی و رشد آن متأثر از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت. ابتدا این حرکت بین روشنفکران تونس و سپس آن‌ها تحت جنبش النهضه، به فعالیت خود ادامه دادند.

انحصار قدرت سیاسی به حزب حاکم تونس، که متشکل از قشرهای طبقه بالای تونس و متمایل به فرهنگ غرب و اندیشه سیاسی سکولار بودند، موجب درگیری میان او و جنبش‌های اسلامی برخاسته از نهاد دینی و اصلی تونس از حوزه زیتونیه تونس شد که خاستگاه جنبش‌های اسلامی چون یوسفیه، اتجاه اسلامی و النهفته بود که در نهایت نهاد دینی، دستگاهی اداری از لحاظ فکری و کاربردی تابع نهاد قدرت و دولت قرار گرفت (همان: ۱۸).

محیط پخش

امواج تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در تونس، وارد محیطی می‌شود که بر اساس تقسیم‌بندی انواع محیط در نظریه پخش، محیط ناپذیر است. این محیط ناپذیر در عناصری از روان‌شناسی سیاسی تفسیرپذیر است.

بُعد مسافت، تفاوت در زبان، نژاد و فرهنگ ناشی از حکومت سکولار و وابسته، میراث استعماری باقیمانده از تسلط هفتادساله فرانسه را می‌توان از عوامل ناپذیر بودن محیط تونس نام برد. هرچند وقوع انقلاب اسلامی در ایران، ایده تازه‌ای را در تونس پدید نیاورد، در کلیت جریان‌های سیاسی-اجتماعی این کشور تأثیراتی داشته است. تأثیر عمومی انقلاب در توجه توده‌های مردمی به اسلام و نگرانی دولت خودکامه از آثار سیاسی اسلام، قابل مشاهده بود. حکومت تونس در زمان ریاست جمهوری حبیب بورقیبه - ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۷ - به‌مثابه سکولارترین حکومت در جهان عرب و نمونه‌ای از الگوی غربی دولت در جهان اسلام شناخته می‌شد.

تونس پس از فراز و نشیب‌های فراوان، در پی ضعف و سقوط عثمانی، طی هفتاد سال از اواسط قرن نوزدهم میلادی مستعمره فرانسه شد. در این کشور اسلامی، پس از استقلال نیز، سیاست حذف کامل دین اسلام از نظام دولتی و زندگی مردم مسلمان آن توسط حبیب بورقیبه

و به موازات اقدام‌های آتاتورک در ترکیه و پهلوی در ایران دنبال شد. زین‌العابدین بن‌علی از افسران عالی‌رتبه پلیس و رئیس سازمان امنیت تونس، با کودتا علیه حاکمیت مطلقه و لائیک‌بوری قبیله به قدرت رسید.

بن‌علی هرچند دریافته بود که سیاست زور برای حذف دین کارآمد نیست، کوشید با آزادی به ظواهر فعالیت‌های دینی-اسلامی، تقید ظاهری شرعی خود را به مردم نشان دهد، اما اندک زمانی پس از حکمرانی‌اش ماهیت این اهداف و نیت پنهانی، مشخص شد. در عین حال، در کنار منش استبدادی، سختگیری‌هایی را در امور مذهبی مردم در پیش گرفت. او حامی اسلامی بود که در چارچوب عقاید فرعی و سکولار باشد. این نگرش و عملکرد در عرصه دین به گونه‌ای بود که گرایش به اسلام در تونس، طی سالیان اخیر، رو به افزایش بود.

به‌طور خلاصه، «ویژگی‌های حاکمیتی بن‌علی در تونس» (هرماس، ۱۹۸۵: ۳۴) را می‌توان در

مواردی چند برشمرد:

- نبود مردم‌سالاری واقعی و سهم ناچیز توده‌ها در مشارکت مؤثر در سطوح بالای تصمیم‌گیری‌های سیاسی؛
- فساد مقامات و نهادهای دولتی؛
- سوءاستفاده شدید مالی حاکمان و دستگاه حکومتی؛
- سیاست اصلاحی-تربیتی، مبتنی بر سکولاریسم، با الگوبرداری از فرانسه و بر اساس ساختار غربی؛
- پاکسازی نقش فرهنگی و سیاسی نهاد دینی؛
- خشونت افسارگسیخته و بی‌پرده نیروهای امنیتی و پلیس؛
- ایجاد محدودیت برای فعالیت‌های دینی و مناسک مذهبی؛
- افزایش قیمت مواد خوراکی و فقر و محرومیت مردم در کنار ثروت انبوه خاندان حاکم؛
- توقف رشد اقتصادی و کاهش عمومی شاخص‌های توسعه اقتصادی.

بنابراین، با توجه به ساختار و شکل بسته سیاسی-اجتماعی در تونس و در نتیجه وجود مشکل در شکل‌گیری احزاب، گروه‌ها و جمعیت‌های مستقل، حزب ویژه‌ای که طرفدار آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران باشند، پایه‌ریزی نشد. ویژگی مهم محیط ناپذیرا بودن تونس متأثر از انقلاب اسلامی ایران را می‌توان به جایگاه مذهب در سیاست، اشاره کرد؛ زیرا تا اواخر دهه شصت، توجه به نقش سیاسی دین در کشور کم بوده است. بدین ترتیب، شکلی از سکولاریسم به عرصه حکومتی در تونس راه یافت که به‌طور طبیعی جایی برای تفکرات انقلابی، مانند انقلاب اسلامی در ایران، وجود نداشت.

حرکت‌های اسلامی، نظیر حرکت اتحاد اسلامی به رهبری راشد الغنوشی که با نظارت دولت مرکزی، تأسیس شده بود، نیز دیری نپایید و پایه‌گذاران آن دستگیر، اعدام یا تبعید شدند. دولت وقت تونس، همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، از این مجموعه حرکت و جنبش‌ها با عنوان «طرفداران خمینی» یاد برد و بر این اساس، اقدام به سرکوب آن‌ها کرد. حکومت تونس، اقدام خود را به این دلیل می‌دانست که انقلاب اسلامی ایران، امید به فعالیت را در میان گروه‌های اسلامخواه و مردمی زنده کرده است (خرمشاد، ۱۳۹۰: ۳۰۸).

تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی تونس

با توجه به نقش جنبش‌های جهان اسلام در زمینه‌سازی و ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران تأثیر آن در کشورهای اسلامی تسهیل و تشدید شده است؛ زیرا مسلمانان از یک سو، رنگ و بویی از جنبش‌های پیشین خویش در آن مشاهده و با آن احساس نزدیکی و آشنایی می‌کنند و از دیگر سو نیز چون این انقلاب، شکل، شعار و ماهیتی اسلامی و تاریخی دارد، بنابراین تأثیر آن در کشورهای اسلامی مطلوب و بیشتر بوده است. در پاسخ به چگونگی و میزان تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی کشور مسلمان تونس، به نظر می‌رسد بر اساس نظریه پخش، این تأثیر به دو صورت سرایتی و سلسله‌مراتبی صورت پذیرفته است.

جریان بیداری اسلامی و الهام‌بخشی ناشی از انقلاب اسلامی ایران متغیر واسطی تلقی می‌شود که با آن احساس محرومیت ملت‌ها به وقوع انقلاب و خیزش اسلامی در مقابل حاکم دیکتاتور تونس منجر شده است. ابعاد بیداری اسلامی در ایران، چنان گسترده بود که در قلمرو جغرافیایی ایران محصور نماند و بر پایه ایده صدور انقلاب، موجب پویایی و تحرک جنبش‌های اسلامگرای آزادی‌بخش در دیگر کشورهای مسلمان و جهان شد.

شخصیت امام خمینی به سرعت در اندیشه رهبران اسلامخواه تونس، از جمله راشد الغنوشی و دیگر شخصیت‌های اسلامی، سرایت کرد و از طریق سلسله‌مراتبی در میان توده‌های مردم مسلمان پخش شد. پیروزی انقلاب اسلامی با ایدئولوژی اسلامی و ساختار «جمهوری» با محوریت و مرکزیت ولایت فقیه در اندیشه سیاسی راشد الغنوشی سرایت و عمده ضعف‌های موجود را برطرف می‌سازد، به گونه‌ای که وی خود را یکی از شاگردان کوچک عالمان و مجاهدان بنام حرکت تجدد اسلامی معرفی و از رهبری خود بر حرکت اسلامی، بعد از پیروزی انقلاب و رهبری حضرت امام خمینی احساس ناتوانی می‌کند و نظریه پیوستگی حرکت‌های اسلامی معاصر را در روش‌ها و برنامه‌ها، برخلاف برخی گرایش‌ها مطرح می‌کند (غنوشی، ۱۳۷۰: ۲۶). او درباره انقلاب اسلامی و طرح اجرا شدن الگوی عملی حکومت اسلامی در ایران می‌گوید: «نقش امام خمینی در ایجاد حکومت اسلامی ایران به‌راستی فوق‌العاده عظیم بود.

خط‌مشی او توانسته است پس از قرن‌ها، شیعه را به جایگاه [حقیقی] خود در تاریخ اسلام بازگرداند. او توانست این کار را با زنده‌کردن فلسفه غیبت امام [عصر] در قالب ولایت فقیه، انجام دهد. در تاریخ معاصر اسلام، این نخستین بار است که اسلام توانسته هم از جنبه نظری و هم از بُعد عملی مصداق یابد» (همان، ۱۳۶۹: ۴۷)، و حضرت امام چند دهه قبل، این بیداری اسلامی را وعده فرموده بودند: «نمی‌دانند و نمی‌بینند که انقلاب اسلامی صادر شده و یا در شرف صدور است و با تأییدات خداوند متعال پرچم اسلام در آتیه‌های نه چندان دور به دست ملت‌های اسلامی بلکه مظلومان تشنه عدالت اسلامی در سراسر عالم به اهتزاز درخواهد آمد (صحیفه نور، ج ۲۰: ۲۳۲). پیشتر نیز با صراحت گفته بودند: «ما می‌خواهیم این بیداری که در ایران واقع شد در همه ملت‌ها و دولت‌ها [واقع] بشود» (همان، ج ۵۱: ۵۷، ۱۳۶۰/۵/۰۱). امام این حرکت را «امیدبخش آتیه روشن» و «وعده خداوند» می‌دانستند و می‌فرمودند متظر «انفجار عظیم در توده‌ها» باشید. امام خمینی در عین حال بیداری اسلامی را طلیعه پیدایی جبهه قدرتمند اسلام در برابر جبهه متحد شرق و غرب می‌دانستند: «ما باید خودمان را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی-انسانی، با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود» (همان، ج ۱۲: ۱۹).

انقلاب اسلامی ایران، معادله مبارزاتی جنبش اسلامی تونس را از حالت حداقلی جنبش سیاسی به حالت حداکثری تأسیس نظام اسلامی درآورد و بدنه کلی جریان اسلامگرا را به رهبری جنبش، متمایل ساخت. راشد الغنوشی معتقد است: «تأثیرگذاری انقلاب اسلامی، باعث ارائه مفهومی مترقی از اسلام و دینداری به توده مردم شد» (الغنوشی، ۱۳۷۰: ۴۷).

موضوع پخش

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیشتر مسلمانان در کشورهای اسلامی در برابر مسائل و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود، منفعل و خاموش بودند و حتی هجوم گسترده جریان «جدایی دین از سیاست» آن‌ها را منفع‌ل و سرخورده کرده بود. پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه عطفی بر پایان این تفکر بود و به لزوم دخالت مسلمانان در تعیین سرنوشت و در مسائل گوناگون توجه شد. موضوع پخش، تأسی از انقلاب اسلامی در کارآمدی و توانمندی اسلام برای تشکیل حکومت، موضوعاتی مانند اسلام‌خواهی، میل به تغییر استبداد حکومتی و تضعیف نظام استعماری در بیداری اسلامی تونس مطرح بوده است.

اسلام‌خواهی

مهم‌ترین حلقه اتصال بیداری اسلامی در تونس و انقلاب اسلامی ایران، تعلق خاطر مردم تونس به اسلام و قوانین اسلامی و نقش کارآمدی آن در تشکیل حکومت است، به طوری که بی‌توجهی حاکمیت به دستورها و قوانین اسلامی، خشم مردم را به دنبال داشته است.

اتخاذ رویکرد سکولار در اداره جامعه، قلع و قمع مبارزان و رهبران جریان‌های اسلامی، ممانعت از برگزاری واجبات اسلامی نظیر نماز و حجاب، تنها بخشی از اراده اسلام‌ستیزی در ساختار سیاسی تونس بود. اسلام‌ستیزی و سرکوب اعتقادات مذهبی مسلمانان تونس، موجب شکل‌گیری عدم مشروعیت نظام حاکم شد.

از نشانه‌های بارز اسلام‌خواهی و اسلامی بودن موج انقلابی در تونس، می‌توان به حضور مردم در خیابان‌ها و مساجد با نشانه‌های بارز اسلام، نظیر حضور در راهپیمایی‌ها با قرآن، شکل‌گیری گسترده‌ترین تجمعات ضد دیکتاتوری حاکم، فراگیر بودن شعار «الله اکبر» به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین شعارهای مبارزه، روی آوردن به حجاب به‌عنوان نماد اسلامی، اشاره کرد. این موارد حاکی از غلبه روح اسلام‌خواهی و حضور تفکرات اسلامی در شکل‌گیری مبارزات مردمی این کشور است. بنابراین، مردم تونس در جریان بیداری اسلامی، خواستار برچیده شدن ظلم و فساد و اجرای قوانین اسلامی و تلاش برای تشکیل حکومت دینی بودند.

در شرایطی که در جامعه اسلامی [مردم تونس] باورهای اسلامی و نظام ارزش دینی، بخش مهمی از هویت مردم مسلمان را شکل می‌دهد، نوعی مرزبندی بین خود و بیگانه را مطرح می‌سازد. این تعارضات، بسیاری از مردم تونس را دچار نوعی احساس از خود بیگانگی فرهنگی کرد و در نتیجه، آن‌ها برای بازگشت به اندیشه‌های اصیل خود تلاش کردند که در این راه به دلیل احساس حقارت و ضعف در برابر نظام حاکمیتی دیکتاتور، به قیام و انقلاب و تغییر وضع موجود دست زدند.

راشد الغنوشی، رهبر حزب اتجاه اسلامی تونس، معتقد به ضرورت تجدید حیات امت اسلامی در دوران معاصر است، زیرا «با وجود قانون جامع الهی و وجود شخصیت‌های برجسته اسلامی، برای تبیین قوانین الهی و پیوند میان امور متحول زمان با احکام ثابت دینی، جایی برای ایستایی و عقب‌ماندگی مسلمانان وجود ندارد» (الغنوشی، ۱۳۷۰: ۱۸). هرچند دستگاه حاکمیتی بسیار کوشید تا برای تحقق اهداف شخصی و منافع و قدرت‌های فرامنطقه‌ای این عنصر را تضعیف یا کنترل کند، اسلام عنصر ذات و ماهیت مردم تونس، از ابتدا تأثیر هویت‌ساز عمده‌ای در این کشور محسوب می‌شد. پیروزی جنبش اسلامی در انتخابات پس از سرنگونی بن‌علی، نشان از ماهیت اسلامی موج بیداری و انقلابی در تونس دارد. حزب اسلام‌گرای النهضه پس از

سال‌ها محرومیت از فعالیت، توانست با کسب ۹۸ کرسی از ۲۱۷ کرسی، از دیگران پیشی بگیرد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۲۸).

با وجود این تلاش‌ها، مجموعه غرب نشان می‌دهد خواست واقعی مسلمانان تونس، اسلام و محقق شدن این ایده انسان‌ساز است. الغنوشی باور دارد «انقلاب اسلامی ایران توانست اسلام را که ابزار وحدت‌شکنی ملت اسلام در دست ارتجاع غرب بود آزاد سازد. انقلاب اسلامی ایران چنان از میراث فرهنگی و سیاسی اسلام بهره برد که توانسته است نهادهای سیاسی نیرومندی همچون بسیج جوانان انقلابی، کمیته‌های انقلابی، تشکیلات نهانی، حسینیه‌ها، مساجد و نویسندگان انقلابی را به وجود آورد و مردم را در سلسله مجموعه سیاسی، اقتصادی و تربیتی، جای داد و همگان، برتری و رهبری امام را پذیرفتند و پیوند ناگسستنی بین رهبری و مردم ایجاد کرد (الغنوشی، ۱۳۸۱: ۳۵).

شیخ عبدالفتاح مورو، رهبر و بنیانگذار جنبش نهضت اسلامی تونس معتقد است «انقلاب تونس که در مراحل بعدی به کشورهای همسایه نیز انتقال یافت، به دنبال هدف اصلی یعنی بازپس‌گیری کرامتی است که جز با توسل به ارزش‌های اسلامی به دست نخواهد آمد. پیروی از ارزش‌های اسلامی موجب عزت و کرامت مسلمانان است و آنان را از ستم و توهین مستکبران دور می‌سازد. مردم جوامع عربی و اسلامی امت واحدی هستند که با واقعیت و سرنوشت یکسانی روبه‌رو هستند و فقط مرزهای جغرافیایی، آنان را از همدیگر جدا کرده است. وجود این واقعیت و سرنوشت مشترک، همان چیزی بود که باعث شد این انقلاب که از تونس آغاز شده بود، به دیگر کشورها نیز سرایت کند. دین اسلام، اصول ارزشمند آن و نیز وحدت خواسته‌ها و اهداف امت‌های عربی و اسلامی، موجب حرکت‌های انقلابی ملت‌ها در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا شده است» (www://alalam.ir).

محمدعلی الحریزی، از اعضای جنبش نهضت اسلامی در این باره به روزنامه الاخبار چاپ لبنان گفته است: «آن کسانی که از دین اسلام ابراز تنفر می‌کنند، اسلام را نفهمیده‌اند. نظام طاغوتی پنجاه سال مردم را از اسلام متنفر کند. آنچه اکنون می‌خواهیم، فقط جایی برای دعوت به خداست تا به ملت، اسلام حقیقی را بفهمانیم. ما آزادی مسجد، آزادی حجاب و دیگر آزادی‌های اسلامی را می‌خواهیم» (همان).

جایگاه مذهب در سیاست مهم‌ترین موضوعی است که می‌توان آن را تأثیر انقلاب اسلامی در تونس و بیداری اسلامی در این کشور تلقی کرد.

مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی

جهت‌گیری در مقابل نوع ساختار استبدادی و رژیم دیکتاتور و وابسته حاکم، از مهم‌ترین موضوعات و محور تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی کشور مسلمان تونس است.

زین‌العابدین بن‌علی، حدود بیست و چهار سال در این کشور حکومت کرد و توانست به‌ظاهر حکومتی بآب‌تاب در میان کشورهای عربی، ایجاد و بیشتر مخالفان خود را از صحنه سیاسی کشور حذف کند. ساختار حکومت دیکتاتوری در تونس، عمودی شکل گرفته بود که در چنین ساختاری، مشارکت عمومی در تصمیمات قدرت، جایگاهی ندارد و استبداد رأی و فکر بر آن حاکم بود. حاکمیت در تونس، بیشتر بر تمام جنبه‌های فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، نظارت و قدرت تنها در اختیار یک گروه خاص و ویژه سیاسی قرار داشت.

در بُعد سیاسی، مشارکت نداشتن واقعی شهروندان در فرایندهای گوناگون مربوط به سرنوشت سیاسی خود، نابودی جامعه مدنی، نادیده گرفتن حقوق و آزادی‌های سیاسی و اساسی مردم، جامعه اقتدارگرای تک‌حزبی، بحران‌هایی را برای مردم به وجود آورد و آن‌ها را دچار سرخوردگی عمیق ساخت. عدم تعامل و تجانس و فهم مشترک از نظر فیزیکی و قانونی میان مردم و حاکمیت، هویت ملی را در تونس تضعیف کرده بود.

عدم شفافیت دولت در حیطه مسائل اقتصادی و فساد به شکل گسترده‌ای در این کشور دیده می‌شود، به‌طوری‌که قدرت و ثروت در اختیار بخش کوچکی از جامعه قرار داشت، بیشتر مردم در محرومیت به سر می‌برند. برای مثال، بر پایه برآوردهای صورت‌گرفته، خانواده بن‌علی، از بانک گرفته تا سیستم مخابرات، صادرات و واردات، خودرو، کشاورزی و توزیع مواد غذایی، نفت، توریسم، مستغلات و تمام شاخه‌های اقتصادی را در انحصار خود داشت، افزون بر آن، بن‌علی صاحب یک صندوق تعاونی بود که سالانه یک روز از حقوق کارمندان برمی‌داشت و تجار خرد نیز خود ملزم به واریز کردن کمک‌های سالانه به این صندوق در کنترل شخص بن‌علی بودند. این در حالی بود که در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۲، متوسط درآمد مردم از دو دلار در روز تجاوز نمی‌کرد و به‌رغم این مسئله که رشد اقتصادی در این کشور بالاتر از میانگین رشد جهانی و رشد سالانه بیش از پنج درصد بود، با وجود این بیکاری و بی‌عدالتی مهم‌ترین مشکلات اقتصادی این کشور بود (گلدستون، ۲۰۱۱: ۱۲).

این مسائل سبب نابرابری گسترده‌ای میان طبقات اجتماع می‌شد و فرصت‌های اقتصادی را از کارآفرینان کوچک می‌گرفت و مشکلات اقتصادی را تشدید می‌کرد.

استمرار این سیاست‌های غلط در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همراه خفقان و سرکوب و فشار حکومت دیکتاتوری بن‌علی علیه مردم قیام و انقلاب آنان را برای استیفای حقوق خود به‌دنبال داشت.

مسلمانان تونس طی حاکمیت استبدادی بن‌علی، از نماز جماعت و مراسم دینی واقعی محروم بودند. مردان برای داشتن ریش و زنان برای پوشش کامل در تنگنا قرار داشتند. دانشگاه‌های تونس به دستور وزارت آموزش این کشور، موظف بودند از ثبت‌نام دختران با پوشش اسلامی و پسران با ریش جلوگیری کنند. تنگناهای مذهبی، نه تنها برای سنی‌مذهبان، بلکه برای شیعیان نیز دوچندان بود (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۱).

نقش‌آفرینی گروهی بازیگران خارج از منطقه همچون آمریکا و غرب، بر وابستگی هرچه بیشتر حاکمیت مرکزی تونس تأکید داشت.

در این حلقه، کارگزار غربی، به‌ویژه آمریکا، درصدد استقرار ساختار سیاسی، اقتصادی و امنیتی مطلوب خود بر منطقه با هدف تأمین منافعش بود. ساختاری که با اجرای طرح‌هایی نظیر ایجاد خاورمیانه بزرگ و جدید، درصدد تخریب زیرساخت‌های ارزشی، اجتماعی و سیاسی سابق در منطقه به‌منظور استقرار ساختار-کارگزارانی همسو و حامی منافع رژیم غاصب صهیونیستی باشد (ریچارد هاس، ۲۰۰۶: ۲۰۳)، یا اتحادیه اروپا برای تضمین امنیت جریان انرژی منطقه، حمایت از رژیم صهیونیستی را سرلوحه برنامه خود در منطقه قرار می‌دهد. این حلقه از بازیگران در زمره هواداران حاکمیت دیکتاتوری تونس و ادامه آن بر پایه استبداد به شمار می‌آمدند.

مقام معظم رهبری درباره تأثیر و الهام‌بخشی انقلاب اسلامی ایران در ایستادگی مردم تونس بر حفظ ارزش‌های اسلامی و انقلابی و پایداری در برابر خواست قدرت‌های جهانی معتقدند: «اگرچه نباید به‌طور قطع مغرور شد، ولیکن این مسئله به‌طور قطع وجود دارد که آن بذر امیدی که در دل ملت‌ها ریخته شد و کاشته شد و آبیاری شد و روید و گل کرد، ناشی از ایستادگی ملت ایران بود» (خامنه‌ای، سخنرانی: ۱۳۹۰).

نقش بازیگران خارجی، از جمله فرانسه، آمریکا و صهیونیست‌ها را نیز در تحولات تونس نمی‌توان نادیده انگاشت. با توجه به اینکه بن‌علی طی بیست و سه سال ریاست جمهوری در مسیر اهداف غرب حرکت کرد، اکنون حضور نداشتن آن‌ها در صحنه تحولات تونس، امری دور از ذهن می‌نماید، به‌ویژه اینکه در اقدامی سؤال‌برانگیز کشورهای غربی ناگهان مواضع خود را به سمت حمایت از مردم تغییر داده‌اند!

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در این باره می‌فرمایند: «انگیزه بعد هم وابستگی به امریکاست، که بسیار مهم است. امریکایی‌ها مایل نیستند گفته شود که علت قیام مردم تونس در اوّل و بعد، اوج آن در مصر، وابستگی است. این، حقیقت قضیه است» (همان، خطبه‌ها: ۱۳۹۱).

نکته مهم آنکه گزارش‌ها از ورود صهیونیست‌ها به تونس و ایجاد فضای رعب و وحشت توسط آن‌ها پس از قیام مردمی در این کشور حکایت دارد. بسیاری ناظران سیاسی با اشاره به جایگاه تونس در معادلات آفریقا و کشورهای عربی به‌ویژه نزدیکی آن به دریای مدیترانه بر تحولات جدید در این کشور تأکید دارند، به‌ویژه اینکه مردم همچنان به دنبال ورود اسلام به ساختار سیاسی کشورشان هستند. قیام مردمی و اسلامی در تونس، همراه شعارهای «مرگ بر امریکا و اسرائیل»، و استعمار و تلاش برای کسب استقلال و سرنگونی حکومت وابسته به غرب باعث گشوده شدن فصل جدیدی از مشارکت سیاسی مردم در تعیین سرنوشت خود شد که این موضوع نیز از جمله موضوعات تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی تونس به شمار می‌آید.

مجاری پخش

حضور برخی طلاب مشتاق تحصیل در حوزه علمیه قم، حضور رهبران احزاب و جنبش اسلامی تونس در ایران به مناسبت‌های گوناگون، نظیر سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی اسلامی، مانند کنفرانس فلسطین را می‌توان از جمله مجاری پخش در تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی در تونس نام برد.

دیدار راشد الغنوشی با امام خمینی، موجب احساس خوشایند و محبت‌انگیز در شخصیت ایشان شد. او در ملاقات با بنیانگذار انقلاب اسلامی، با احساس و شوری خاص، ضمن تحسین و تکریم حضرت امام، انقلاب اسلامی و مردم ایران، شخصیت امام را تحقق بشارت پیامبر اعظم، دانسته است و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَيْدِهِ الْأُمَّةَ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِئَةِ سَنَةٍ مِنْ يَجِدُ لَهَا دِينَهَا: هر صد سال، خداوند کسی را می‌فرستد تا دین او را احیا کند.»

تأثیر و نفوذ سیاسی-الهی حضرت امام در رهبری جنبش اسلامی تونس، سبب شد او هر مصلح اسلامی در کشورهای اسلامی را «خمینی» بداند و از مسلمانان می‌خواهد که «ضمن وفاداری به انقلاب اسلامی ایران، آن را چون هدیه الهی پاس دارند و در حرکت‌های اسلامی خود به مرحله تهاجمی گام بردارند» (غنوشی، ۱۳۷۰: ۴۵).

جنبش اسلامی در تونس از طریق نشریات/المجتمع و المعرفة خود، بارها انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن را ستوده است و حضرت امام را نمونه بارز بیداری اسلامی در جهان اسلام وصف می‌کردند. الحامدی از دیگر پیشنهادکنندگان جنبش اسلامی تونس، معتقد است پیروزی انقلاب

اسلامی در ایران رویدادی عظیم و تاریخی است که نسل‌های جهان را از رکود و گوشه‌نشینی، نجات داده است. او ادامه می‌دهد: «این انقلاب، اثبات کرده که اسلام قادر است بر دشمنان پیروز شود و گستاخ‌ترین نظام را واژگون سازد، حتی اگر بزرگ‌ترین قدرت جهان (امریکا) از آن حمایت کند».

موانع و عوامل کاهش‌دهندهٔ پخش

دربارهٔ تأثیر انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی تونس، عوامل و موانع مختلفی برای جلوگیری از پخش آن قابل تصور است که بی‌تردید زمان ثمردهی موج بیداری اسلامی را به تأخیر انداختند. مسافت مکانی و جغرافیایی را می‌توان از عوامل و موانع طبیعی پخش و تأثیر انقلاب اسلامی در تونس برشمرد.

محکوم شدن جنبش اسلامی، قلع و قمع رهبران آن، قطع روابط سیاسی تونس با ایران و تعطیل کردن سفارت خود در تهران (۱۳۶۵) و تثبیت حکومت سکولار و دیکتاتور بن‌علی در تونس، از دیگر موانع این مسئله است. دولت مرکزی با متهم کردن جنبش اسلامی تونس به اعمال خشونت، ارتباط با ایران و تلاش در تسریع صدور انقلاب اسلامی به تونس، موانع فراوانی را در جنبه‌های قانونی و حقوقی برای آنان ایجاد کرد. فشارها تا حدی بود که سبب شد این حرکت اسلامی از آرمان‌های خود در دولت بورق‌بیه فاصله گیرد. تداوم اعمال خشونت و فشار دوجندان بر جنبش اسلامی تونس به دنبال کودتای بن‌علی در سال ۱۳۶۵ و زندانی و تبعید شدن رهبران جریان‌های اسلامی، مانع از تأثیر زیاد انقلاب اسلامی ایران در تونس شد. بدین ترتیب، شکلی از سکولاریسم به عرصهٔ حکومتی راه یافت که به‌طور طبیعی جایی برای تفکرات انقلابی در تونس، نظیر آنچه در ایران اتفاق افتاد، نبود.

آنچه تا قبل از قیام مردمی در تونس جریان داشت، ممانعت از رشد و نقش‌آفرینی احزاب مخالف و حاکم بودن قدرت مطلقهٔ مخالف جریان اسلامگرایی بوده است. در این مدت، معارضان در تبعید یا زندان، هرچند از بسیج توده‌ها و مشارکت سیاسی بازماندند، همچنان رابطهٔ آن‌ها با مردم پابرجا بود. انقلاب مردمی تونس را می‌توان پایان این جدایی دانست. علی‌الحریزی، از اعضای نهضت اسلامی، این بازگشت را «بازگشت خون به رگ‌های مردم تونس» (حسینی عارفی، ۱۳۹۰: ۹۳) می‌داند، هرچند بی‌تردید مهم‌ترین عامل و نقش در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب تونس را مردم و جوانان ایفا کردند، زیرا رهبران احزاب سیاسی، یا در زندان یا در تبعید بودند.

دامن زدن به اختلاف‌های قومیتی میان شیعیان و اهل تسنن، اختلافات شدید بین نحله‌های مختلف سنی، فعالیت دستگاه سیاسی-مذهبی در عربستان و برخی دیگر حکومت‌های

غیرمردمی کشورهای اسلامی، فقط بخشی از شکاف‌های موجود در فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشورها بود. اشغال قسمت‌های فراوانی از سرزمین اعراب و شکست آن‌ها در جنگ شش روزه و افزون بر این، عقب‌نشینی سران اعراب از مبارزه و انتخاب خط سازش با اسرائیل، سرشکستگی مردم این کشورها را در پی داشت، به طوری که بر پایه اسناد افشاشده، رئیس سازمان امنیت تونس با دستگاه جاسوسی موساد ارتباطی تنگاتنگ داشته است. از دیگر موانع پخش در تونس می‌توان از جریان‌های سلفی تکفیری نام برد که با توجه به شیوه‌های خشونت‌بارشان، پیوسته توجه کشورهای منطقه و دیگر کشورها را به خود جلب کرده‌اند. پس از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، سازمان جهانی القاعده و بازوی منطقه‌ای آن در مغرب عربی، جریان تکفیری تونس را با بهره‌گیری از رهبران و نیروهای آموزش‌دیده و پول احیا کردند. هدف سازمان جهانی القاعده از احیای این مجموعه، برهم زدن ثبات در منطقه، پیشبرد برنامه‌هایش در عرصه سیاست بین‌الملل، جذب نیروهای جدید و آموزش آنان بود (کریشان، ۲۰۱۲).

در سطح جامعه تونس، تکفیری‌ها در سازماندهی و اعزام جوانان تونس به سوریه نیز فعال بوده‌اند. وزارت کشور تونس تا کنون بارها از متلاشی کردن باندهای انتقال جوانان به سوریه خبر داده است (المدینی، ۲۰۱۲: ۱۶۰).

درواقع، از هنگام انقلاب مردمی و سقوط بن‌علی، می‌توان پیوستاری صعودی از گرایش سلفی‌های تکفیری به خشونت در این کشور ترسیم کرد؛ از جمله رویارویی آن‌ها با نیروهای امنیتی در شهر «جندوبه» در فوریه ۲۰۱۲، مبارزه با دیگر نیروها در دانشگاه‌ها و نیز خارج از آن و تلاش برای جایگزینی پرچم سیاه جماعت تکفیری به جای پرچم تونس، که در موارد بسیاری به رویارویی‌هایی هرچند محدود منجر شدند که از تشدید تدریجی خشونت این جریان حکایت می‌کرد (خلال، ۲۰۱۲).

مجموع این مسائل، هر یک در ممانعت از پخش و تأثیر انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در تونس مؤثر است.

نتیجه

موضوع نوشتار حاضر، تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بیداری اسلامی تونس است. مجموع مطالب حاضر بر اساس این هدف و بر مبنای نظریه پخش و ارکان آن، تنظیم و سامان یافته است.

ویژگی‌های ضد استعماری و ضد استبدادی، تمسک به رویکرد تظاهرات عمومی با مشارکت همه قشرهای مردم و تمرکز بر شعارهای اسلامی، از جمله نشانه‌های انکارناپذیر الگو قرارداد و تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران است.

درباره چشم‌انداز آینده در شمال آفریقا و در تونس باید توجه کرد جریان سلفیت تکفیری در بعضی کشورهای این منطقه فعال شده که طی چند سال شاهد تحولاتی از جمله سقوط دولت‌های پیشین و روی کار آمدن دولت‌های جدید، و نیز وجود مشکلات اقتصادی و امنیتی بوده‌اند. بنابراین، هر اندازه که دولت‌های جدید کارآمدی خود را در حل این مشکلات نشان دهند، جامعه به سمت آرامش پیش می‌رود و زمینه گسترش خشونت محدود می‌شود. در ارتباط با تونس آنچه مشخص است، درحقیقت تفکر سلفی-تکفیری با چیزی که مردم از میانه‌روی در امور دینی می‌خواهند، دچار تناقض (پارادوکس) است. این امر خود مانعی مهم فراروی گروه‌های تندروی سلفی در تونس خواهد بود. با وجود این، یکی از مهم‌ترین مشکلات تونس که دولت‌های بعد از انقلاب النهضه و دیگر دولت‌ها با آن دست به‌گریبان بوده‌اند و خواهند بود، مشکلات اقتصادی، بیکاری و وضع معیشت مردم است. همان‌طور که این مسئله یکی از عوامل تحت فشار قرار گرفتن و در نهایت کناره‌گیری النهضه از دولت تونس بود، باز هم در آینده شاهد حضور مردم در خیابان‌ها و اعتراضات اجتماعی خواهیم بود که این آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی، زمینه گسترش ناامنی و حضور سلفی‌های جهادی در این کشور خواهد شد.

در این باره پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

۱. روند تحولات پس از پیروزی قیام مردمی تونس، بر لزوم حفظ دستاوردهای بزرگ حاصل از این بیداری اسلامی دلالت دارد. بنابراین، مردم و نخبگان و احزاب سیاسی، ضمن تلاش برای حفظ وحدت ملی، نباید از مواظبت و آسیب‌شناسی انقلاب، جلوگیری از انحراف انقلاب و پرهیز از حوادث و مسائل اختلافی، نظیر توطئه ترورهای مشکوک اخیر، نظیر شکری بلعید، محمد البراهمی و نیز دخالت‌های قدرت‌های خارجی، غفلت کنند؛

۲. آنچه حفظ انقلاب مردمی تونس را تضمین خواهد کرد، عبرت‌گیری از حوادث جاری در کشور مصر است. ضرورت دارد تا دولت، احزاب و به‌ویژه جریان انقلابی، هرچه سریع‌تر نسبت به نظام‌سازی سیاسی بر اساس اهداف بیداری اسلامی و پاکسازی نهادهای اقتصادی، سیاسی و نظامی باقیمانده از حاکمیت غیرمردمی پیشین اقدام کنند، هرچند در تونس تغییری سطحی صورت پذیرفته است. بنابراین، در صورت به نتیجه رسیدن و پیروزی کامل قیام مردمی تونس، نقش دین اسلام را، به‌عنوان اصلی محوری، پررنگ خواهد کرد که می‌توان آن را ظرفیتی برای الگوی حکومت دینی انقلاب اسلامی در تونس در آینده دانست.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. امام خمینی (۱۳۷۹)، صحیفه امام مجموعه بیانات و آثار امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، عروج.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی در نظر و عمل، تهران، دانشگاه امام صادق.
۳. الغنوش، راشد (۱۳۷۰)، ترجمه سید هادی خسروشاهی، حرکت امام خمینی و تجدید جهان اسلامی، تهران، مؤسسه اطلاعات.
۴. _____ (۱۳۶۹)، حرکت اسلامی تونس، تهران، وزارت امور خارجه.
۵. _____ (۱۳۸۱) ترجمه حسینی صابری، آزادی کار عمومی در حکومت اسلامی، تهران، علمی و فرهنگی.
۶. الویری، محسن (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی؛ از باورها تا نهادها»، ماهنامه روابط فرهنگی، ش ۱، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۷. برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱)، نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق.
۸. _____ (۱۳۸۹)، روان‌شناسی سیاسی، ج ۲، تهران، سمت.
۹. _____ (۱۳۸۸)، «پیش‌بینی تأثیر انقلاب اسلامی بر خاورمیانه»، فصلنامه دانش سیاسی، تهران، دانشگاه امام صادق، س ۵، ش ۱.
۱۰. حسینی، عارف (۱۳۸۹)، «تشیع در تونس»، مجله گنجینه، مجمع جهانی اهل‌بیت، ش ۱۸ و ۱۹.
۱۱. _____ (۱۳۹۰)، بهار عربی در پرتو بیداری اسلامی، قم، سنابل.
۱۲. خرمشاد، محمداقبر (۱۳۹۰)، بازتاب‌های انقلاب اسلامی، تهران، سمت.
۱۳. شکوهی، حسین (۱۳۶۴)، جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، مشهد، آستان قدس.
۱۴. صفدری، محمدحسن (۱۳۸۹)، ریشه‌یابی انقلاب تونس، سایت خبری مجله هفتگی الحقیقه الذولیه.
۱۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
۱۶. عمر، عمراحمد (۱۳۸۰)، یقظه المسلمین فی القرن العشرين، جلد اول، تهران، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه.
۱۷. محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. مطهری مرتضی (۱۳۶۲)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدرا.
۱۹. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴)، تأثیرات منطقه‌ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، دانشگاه تهران، تابستان، ش ۱.
۲۰. موثقی، احمد (۱۳۷۶)، مکتب و مرام امام خمینی، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و احیای تفکر دینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (عروج).
۲۱. هاس، ریچارد (۱۳۹۱)، ترجمه مهدی کاظمی، «خاورمیانه جدید»، مجله تعاون افروز، دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۲۸.
۲۲. هرماس، عبداللطیف (۱۹۸۵)، حرکت اسلامی فی تونس.

ب) خارجی

23. www.khamenaei.ir
24. <http://fa.alalam.ir/news>